کارگران همه کشورها متحد شوید !

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۵۷، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۲ فروردین ۱۳۸۲

شبح مک کارتیسم در آمریکا

«دموکراسی در ایالات متحده در معرض تهدید است. آن هایی که با جنگ بر ضد عراق مخالف هستند، حق سخن گفتن ندارند.»

جورج یانگ – روزنامه گاردین

جورج یانگ، روزنامه نگار رادیکال روزنامه گاردین انگلیس، در مقاله یی در این روزنامه، در روز ۷ فروردین اوج گیری یک مکارتیسم جدید در ایالات متحده راکه قربانیان آن مخالفان سیاست های ارتجاعی و ماجراجویانه دولت بوش هستند، مورد بررسی قرار می دهد.

در مقدمه مقاله، جورج یانگ با اشاره به نمونه هایی از افزایش نوعی هیستری طرفداری از جنگ، از جمله بیرون

ادامه در صفحه ۵

طبقه کارگر و میزان حداقل دستمزدها

مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، جدا از مبارزه بر ضد سمت گیری اقتصادی– اجتماعی رژیم ولایت فقیه نیست!

کارگران و زحمتکشان در شرایطی سال نو را آغاز می کنند که حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار، تکافوی حتی حداقل مایحتاج زندگی آنها را نمی دهد.

شورای عالی کار جمهوری اسلامی، پس از بحث و بررسی پیرامون چگونگی تعیین سطح دستمزد کارگران درسال ۱۳۸۲، حداقل دستمزد مشمولان قانون کار را روزانه ۲۸۴۴۶ ریال و ماهیانه معادل ۸۵ هزار و ۳۳۸ تومان مقرر کرد. مطابق این مصوبه، در سال کنونی حداقل دستمزد کارگران و زحمتکشان کمتر از ۲۲درصد، و درسایر سطوح مزدی حدود ۱۶ درصد افزایش یافته است.

به این ترتیب شورای عالی کار، که با حضور نمایندگان دولت، انجمن های

ادامه در صفحه ۲

تهاجم نظامی خطرناک و خونین امپریالیسم به عراق و وظایف حساس نیروهای مردمی در ایران و منطقه

از آغاز تهاجم خونین نظامی آمریکا و انگلیس به خاک عراق بیش از ۱۲ روز می گذرد. بر اساس گزارش های مخابره شده از سوی خبرگزاری های جهان، این درگیری نظامی تاکنون هزاران کشته و مجروح غیر نظامی برجای گذشته است. فرو ریختن هزاران تن بمب های خوشه یی، موشک های کروز و بمب های جدید و آزمایش نشده آنچنان ویرانی وسیعی را در خاک عراق ایجاد کرده است که به گفته سازمان ملل متحد ابعاد فاجعه انسانی دهشتناکی به این تهاجم نظامی می دهد.

بر خلاف همه پیش بینی های صورت گرفته از سوی جورج بوش، تونی بلر و فرماندهان نظامی آمریکایی و رسانه های امپریالیستی (و حتی روزنامه های سلطنت طلب ایرانی) در زمنیه سقوط ۷۲ ساعته بغداد، تهاجم نظامی به عراق موجی از تنفر و انزجار را نسبت به نیروهای مهاجم در میان مردم عراق دامن زد و موج نیرومندی از مخالفت و مقاومت را در مقابل آنها ایجاد کرد. برخلاف تنفر عمیق مردم از رژیم دیکتاتوری و خونریز صدام حسین، با ورود نیروهای اشغالگر خارجی به خاک عراق، ماهیت این جنگ به عملیاتی تجاوزگرانه بر ضد منافع ملی و میهنی مردم عراق تبدیل شد و نه تنها مردم شیعه جنوب عراق «با گل و شیرینی» به استقبال نیروهای اشغالگر نرفتند بلکه به گواهی درگیری های خونین اخیر در بخش های وسیعی از این مناطق دشواری های زیادی در مقابل اهداف نظامی آمریکا و انگلیس پدید آوردند. البته این روند پدیده تازه یی نیست و حوادث گوناگون گذشته در منطقه تجربیات مشابهی را به نمایش گذاشته بود. مردم ما به خوبی به یاد دارند که در جریان جنگ مخرب و خانمان سوز ایران و عراق، که صدام حسین به اشاره امپریالیسم بر ضد انقلاب مردم میهن ما آغاز کرده بود، مردم میهن ما در مقابل تهاجم خارجی مقاومت اسطوره یی از خود نشان دادند و اجازه ندادند تا تجاوزگران به اهداف پلید خود دست یابند. در دنباله این مقاومت و زمانی که نیروهای ایرانی توانستند خرمشهر را از چنگ نیروهای اشغالگر عراقی خارج کنند و هنگامی که مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم، شعار «جنگ برکت است» را می دادند و سران رژیم خواب تسخیر کربلا و نجف را می دیدند، حزب توده ایران، بر خلاف همه فشارها و تجزیه و تحلیل های داخلی و خارجی، و با وجود اینکه ارتش عراق متحمل شکست های سهمناکی در جبهه های جنگ شده بود، با

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه" !

ادامه تعیین حداقل دستمزدها...

کارفرمایی و تشکل های به اصطلاح "کارگری" که درخدمت رژیم قراردارند تشکیل می گردد، بدون درنظر گرفتن واقعیات بدیهی و از جمله نرخ واقعی تورم، تصمیمی را اتخاذ و ابلاغ کرد، که باخواست بحق زحمتکشان فرسنگ ها فاصله دارد. پیش از برگزاری جلسات شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزدها علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگر این تشکل وابسته به رژیم، طی گفتگویی یادآورشده بود که پیشنهاد دولت برای افزایش حداقل دستمزد زحمتکشان درسال ۸۲، پانزده درصد است. دراینجا باید تصریح کنیم، پیشنهاد دولت کاملاً با خواسته و نظرات کارفرمایان انطباق داشت ودر واقع میان آنها یعنی دولت و سرمایه داران از قبل هماهنگی لازم صورت پذیرفته بود. علاوه براین، چند روز پیش از اعلام نظر شورای عالی کار درخصوص تعیین حداقل دستمزدها، یك گردهمایی تبلیغاتی از سوی خانه کارگر و کانون شوراهای اسلامی کار در باشگاه ورزشی شرکت دخانیات برپا شد، که درآن عوامل رژیم به شعاردادن های عوام فریبانه پیرامون مسایل کارگری و ازآن جمله موضوع پر اهمیت تعیین حداقل دستمزدها باتوجه به منافع زحمتکشان پرداختند. صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار، دراین گردهمایی نمایشی گفته بود: «... مذاکره برسر حداقل دستمزد زیر ۳۰ درصد متوقف خواهدشد و درجهت احقاق حق کارگران باتمام تشکیلات کارگری انجمن ها و سندیکاها متحد شده ودر کنار یکدیگر خواهیم بود.»

علیرضا محجوب نیز به سیاق همیشگی خود درگردهمایی مذکور خاطرنشان ساخت: «با توجه به خواست عمومی کارگران ما به هیچ وجه حاضر به مذاکره برسر حداقل دستمزد کمتر از ۳۰ درصد نیستیم... پیشنهاد کارفرمایان ۵/۱۵ درصد، دولت ۱۷ درصد و پیشنهاد ما دست کم ۳۰ درصد حداقل دستمزد سال ۸۱ است...».

این سخنان و موضعگیری های «داغ» و «آتشین» فقط و فقط به منظور انحراف اذهان زحمتکشان و مانوری حساب شده است، برای مهار جنبش اعتراضی نیرومندی که یك جنبه بسیار مهم آن تعیین سطح دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم است. جنبش کارگری– سندیکایی میهن ما، درسالیان اخیر همواره با جدیت و پیگیری خواست افزایش حداقل دستمزدها برپایه نرخ واقعی تورم را طرح، و بخش بزرگی از زحمتکشان را درسراسر کشور حول آن سازماندهی کرده و به مقابله با سیاست های رژیم ولایت فقیه وا داشته است. رژیم ولایت فقیه هرساله بازیر پاگذاردن منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان حداقل دستمزدی را تعیین می کند، که به هیچ رو تامین کننده معیشت میلیونها تن از زحمتکشان نیست.

براساس آمار موجود، قدرت خرید کارگران نسبت به سال ۵۸، ۵۰ درصد کاهش یافته است. همچنین بنا به اعتراف مدیر کل دفتر تامین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، اکنون بیش از ۳۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر به سر می برند(تازه این آمار از زبان یك مقام حکومتی است) بنا به گفته همین مقام مسئول برپایه نابرابری درآمد نسبت به ده سال قبل افزایش چشمگیری یافته و حاکی از ژرفش طبقاتی است. شرایط به گونه یی است، که ایران در زمره دریافت کنندگان وام فقرزدایی بانك جهانی قرارگرفته و امسال این بانك وامی بلاعوض به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار برای «بهبود وضعیت زندگی مردم» به جمهوری اسلامی پرداخت خواهد کرد.

اکنون مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم با مبارزه برضد سمت گیری اقتصادی– اجتماعی رژیم ولایت فقیه به هم گره خورده اند. به دلایل روشن علت اصلی عدم افزایش دستمزدها مطابق با خواست زحمتکشان سیاست های کلی در خصوص مسایل اقتصادی است. هرگز نباید فراموش کنیم که یکی از مهمترین جنبه های برنامه اصلاحات ساختار اقتصادی، تامین امنیت سرمایه و خصوصی سازی است و دراین زمینه نخستین سدی که وجود دارد(البته به زعم رهبران جمهوری اسلامی) قانون کار کنونی است، که باید اصلاح و تعدیل شود. معاون بانك مرکزی جمهوری اسلامی درسال گذشته خورشیدی به روشنی و صراحت تمام گفته بود: «نرمش دراجرای قانون کار درسطوح کارگاه های کوچك از دیگر مواردی است که درجهت تشویق سرمایه گذاری صورت گرفت...» از سوی دیگر دربرنامه سوم توسعه با محوریت جلب سرمایه خارجی، پدیدآوردن یك نیروی کار ارزان و مطیع درصدر برنامه های رژیم ولایت فقیه قرار داردکه هر دو جناح اصلی برسر آن توافق کامل دارند. معاون وزیر اقتصاد و دارایی درتابستان سال گذشته خطاب به انحصارات فراملی تاکید کرده بود: «مزیت های بازار کارایران مانند نیروی کار متخصص و ماهر و ارزان، برای سرمایه گذاری خارجی اشتها برانگیز است...». درست برپایه این عوامل است که هرسال، شورای عالی کار با تبانی سه طرف و براساس طرح سه جانبه گرایی رژیم، میزان حداقل دستمزدها را بصورت غیر واقعی و بسیار پایین تر از نرخ تورم و بدون درنظر داشت حقوق و منافع زحمتکشان تعیین می کند. معیار این گونه تصمیم گیری این سخن رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی است: «... درصورت افزایش دستمزدها، کارفرمایان و کارآفرینان (سرمایه داران) تمایلی برای ایجاد اشتغال نخواهند داشت.»!

اگر اقدامات اخیر رژیم ولایت فقیه، همچون خروج کارگاه های کمتر از ۵ و ۱۰ نفر از شمول قانون کار و اجرای آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار و خصوصی سازی و تعدیل نیروی انسانی به موازات آن را درکنار یك دیگر قراردهیم و مصوبه شورای عالی کار درخصوص تعیین حداقل دستمزدها در سال ۸۲ به میزان ماهیانه ۸۵ هزار و ۳۳۸ تومان به آن بیفزاییم، می توان دورنمای اقدامات ضدکارگری آن را ترسیم کرد. کوتاه سخن: افزایش فقط حدود ۲۲ درصد حداقل دستمزدها برای کارگران مشمول قانون کارو درسایر سطوح مزدی ۱۶ درصد، فشارهای اقتصادی طاقت فرسایی را بر کارگران و خانواده های آنان تحمیل می کند و سبب سقوط بازهم بیشتر قدرت خرید آنها می گردد.

مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم جدا از مبارزه برضد سمت گیری اقتصادی، اجتماعی رژیم ولایت فقیه نیست. برای این منظور نیز یك جنبش گسترده، یك تشکیلات مستقل سندیکایی و یك وحدت سندیکایی بین زحمتکشان ضروری است. دراین راه باید پیگیرانه مبارزه کرد.

شکست اصلاح طلبان حکومتی و تلاش تب آلود رفسنجانی

با برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا درسراسر کشور و مشخص شدن نتایج آن،کشمکش و رویارویی در بین جناح بندی های حکومتی وارد مرحله تازه ای گردید.

پاسخ تلویحی هاشمی رفسنجانی به سخنان محمد خاتمی، که پس از اعلام نتایج انتخابات شوراها و شکست قابل پیش بینی اصلاح طلبان حکومتی گفته بود: «آنچه که دراین موقعیت اتفاق افتاد، یك زنگ خطر است» حاکی از تشدید تقابل درهرم حاکمیت و به موازات آن، تحرك و مانور حساب شده رفسنجانی و باند کارگزاران سازندگی درشرایط خطیر و دشوار کنونی است، تلاش گسترده ای که در راستای تقویت مواضع خود و تضعیف هر چه بیشتر جناح مقابل است. این برنامه یی است، هدفمند که از مدتها قبل طراحی و به مورد اجرا گذاشته شده و اینك درسایه شکست «اصلاح طلبان» حکومتی باشدت و قوت ادامه می یابد.

توجه به سخنان اخیر رفسنجانی در خطبه های، نمازجمعه ۶ اسفند ماه تهران از آن رو حائز اهمیت می باشد که اهداف و دورنمای استراتژیك برنامه ای دقیق را تاحد معینی آشکار می سازد. رفسنجانی دراین خطبه ها ازجمله گفته است:«بهتراست به جای اینکه همدیگر را متهم کنیم به واقعیت ها برسیم... و آنهایی که می خواهند، نتایج این انتخابات را تحلیل کنند، تحلیل های یك جانبه، باندی و درجهت خواستهای خودشان نکنند... نمی خواهم جریانی را مورد تعرض قراردهم، اما شاید همه به نحوی مسئول باشند که اگر بنا باشد، تحلیل جامعی بکنم، خواهم گفت... ماامروز شاهد تنزل بیشتر حضور مردم هستیم، که اتفاق میمونی نیست... سیاه نمایی هایی که دو جناح اصلی(توجه کنید خود و باند های هوادارش را مبرا می کند)کشور که هریك دیگری را بدنام کرده و به اصل نظام ضربه زدند، سبب کاهش مشارکت مردم شده است، ولی این سیاه نمایی ها الان شروع نشده از دوم خرداد شروع شد که حتی گاهی دوران جنگ و حضرت امام را سعی کردند زیر سئوال ببرند.» وی سپس افزود: «یکی از نتایج مهم انتخابات شوراها این بودکه رسانه های استکباری آمریکا و انگلیس و ضد انقلاب فهمیدند، که بیخود درحال تلاش هستند و جریانی راکه به دنبالش افتاده بودند و فکر می کردند میلیونها رای می آورد، فقط باید با انگشت ها، آنها را شمرد... ما همیشه به آمریکا گفته ایم که به چند نفر جوانی که فریب می خورند و آنها را به خیابانها می آورند و حرکاتی انجام می دهند و یا بچه های ضد انقلاب و ساواك هستند و یا اینکه بچه های انقلابند، ولی حالا افکار دیگری دارند، دل خوش نکن».

توجه دقیق به این سخنان پرده از روی روش های فریبکارانه رفسنجانی برمی افکند. در آستانه انتخابات شوراها، کارگزاران سازندگی در یك هماهنگی پنهان با باند همبستگی به رهبری اصغرزاده و «احزاب» فرمایشی چون حزب اسلامی کار و خانه کارگر جمهوری اسلامی به تضعیف جبهه ائتلافی دوم خرداد و ایجاد شکاف درآن باتوسل به انواع شیوه ها مبادرت نموده با اشاره رفسنجانی، خودرا یك نیروی اصلاح طلب و متمایز از جناح ذوب در ولایت که درعین حال دارای اختلاف جدی و «اصولی» باجناح خاتمی است، معرفی کرد. محمد هاشمی برادر رفسنجانی و از موسسین کارگزاران در مصاحبه ای با خبرگزاری ایسنا مدعی بود: «چپ» و «راست» برای تضعیف کارگزاران همکاری می کنند... اگر با دید سیاسی به قضایا بنگریم، متوجه می شویم که هردو جناح برای تضعیف موقعیت کارگزاران در انتخابات شوراها، مشارکت دارند.» وی همچنین اضافه کرده بود:«آقای هاشمی(رفسنجانی) با مشاهده فروکش نکردن لجاجت های جناح «چپ» مصلحت دید از حضور درمجلس (ششم) انصراف دهد، اما هیچگاه علیه منتقدان و مخالفان خود اقدام عملی نکرد و نمی کند و درعین آن، حفظ نظام را مقدم به حفظ افراد می داند.»

بعلاوه دراوایل دی ماه سال ۸۱ ،هنگامی که بحث ارایه لیست واحد از سوی جبهه دوم خرداد مطرح بود، گروه کارگزاران زیربار تصمیم شورای هماهنگی جبهه دوم خرداد درباره ائتلاف انتخاباتی و ارایه لیست مشترك نرفت. دراین خصوص هدایت آقایی از اعضای شورای مرکزی

در صفحه ۴

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

صفحات اینترنتی نشریه ضد توده ای «راه توده» تصویر رفیق علی خاوری را در صفحه نخست خود، در کنار تصاویری دیگر منتشر کرده است.

چاپ تصویر رفیق خاوری، در صفحات اینترنتی این نشریه ضد توده ای، که در سال های اخیر به دفعات رفیق خاوری و مسئولان حزب توده ایران را به زیر پا گذاشتن اصول حزبی، فراکسیونیسم، حزب شکنی، انحراف از اصول مارکسیسم، راست روی و ... متهم کرده است چه معنایی می تواند داشته باشد؟

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است و تکرار می کند که نشریه «راه توده» با هدف تفرقه پراکنی در صفوف حزب و ضربه زدن به مبارزات حزب توده ایران ایجاد گردیده و برغم همه فریب کاری ها و مانورهای گوناگون همچنان همان اهداف و برنامه ها را دنبال می کند. حزب ما نظرات مفصل خود را در این زمینه در جزوه «تأملی بر کارنامه توده ای ستیز راه توده» منتشر کرده است و لذا تکرار آنها را ضروری نمی داند (علاقمندان برای مطالعه این جزوه می توانند به صفحات اینترنتی حزب رجوع کنند).

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن مذموم دانستن این اقدام عوام فریبانه «راه توده» بار دیگر اعلام می کند که این تلاش مذبوحانه نشانه آنست که نشریه مزبور در راه دست یابی به اهداف ضد حزبی اش هر وسیله یی را ممکن می شمارد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۱ فروردین ماه ۱۳۸۲

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه تلاش های تب آلوده ...

این گروه گفته بود «شورا شریك نهاد مدنی است و بیشتر به مشکلات اجتماعی مردم شهر و روستا می پردازد و به همین خاطر دلیلی نداردکه بخواهیم انتخابات شورا را سیاسی و یك لیست واحد ارایه دهیم.» و به این ترتیب عملاً و با برنامه ای از پیش تنظیم شده با جناح ذوب در ولایت همراه و هم گام گردید. فشار کارگزاران و تسلیم طلبی و مماشات اصلاح طلبان حکومتی سرانجام جبهه دوم خرداد را که ذاتاً ناتوان و علیل بود، خنثی و منفعل ساخت. این حرکت رفسنجانی و گروه های هوادار او، از سوی مدافعان ذوب در ولایت با تمجید روبه رو شد و روزنامه رسالت در راستای تقویت این سیاست رفسنجانی و در تایید آن از جمله نوشته بود: «...اکنون چندی است که به نظر می رسد توازن پدید آمده درپیش از ۱۳۷۶(دوم خرداد) برهم خورده است و جامعه و نظام سیاسی حاکم برآن در تلاش است تا توازن را مجدداً مستقر گرداند.» ایجاد یك توازن جدید با محوریت هاشمی رفسنجانی، نکته کلیدی و اصلی در سیاست های کنونی است که از سوی رفسنجانی دنبال می شود. دراین توازن، رفسنجانی زیرپوشش نیروی «متعادل کننده و عمود خیمه نظام» درمیان دو جناح به مانور و بندبازی خواهد پرداخت و تحت عنوان «حفظ نظام» به عنوان اولویت اساسی در شرایط بحرانی، به تحکیم پایه های استبداد ولایت فقیه مشغول خواهد شد. موضعگیری رفسنجانی در نماز جمعه ۱۶ اسفند ماه و اشاره آشکار او به امپریالیسم آمریکا تحت این نام که «به عده ای جوان فریب خورده دل خوش نکن» موید این واقعیت است. درشرایط حاضر، او و باندهای وابسته و تحت فرمانش می کوشند از اوضاع داخلی ناشی از شکست اصلاح طلبان حکومتی و ناکارایی آنان و نیز وضعیت منطقه ای، جنگ با عراق و حضور آمریکا درحوزه خلیج فارس، بیشترین بهره برداری را انجام دهند.

رفسنجانی، کارگزاران و هواداران آنها در درون و پیرامون حاکمیت یك نیروی خطرناك و ضد ملی هستند و خواستار بازگشت به اوضاع پیش از دوم خرداد ۷۶ بوده، در صدد برقراری آرامشی گورستانی اند. افشاء و مبارزه بااین نیروی ضد ملی و مردم ستیز که با استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و بطور کلی سعادت مردم محروم ایران دشمن است، وظیفه یی مهم و تاخیر ناپذیر قلمداد می گردد. حزب ما، باتوجه به شرایط فوق العاده حساس از نقطه نظر ملی و بین المللی و حضور خطرناك ارتش آمریکا در مجاورت مرزهای میهن، مبارزه با رژیم ولایت فقیه را درچارچوب یك جبهه واحد که همه نیروهای معتقد به آزادی و عدالت اجتماعی را صرف نظر از تعلقات فکری و سازمانی در برمی گیرد، شرط مقدم، برای تعیین سرنوشت کشور ارزیابی می کند. تشکیل چنین جبهه یی یك ضرورت انکار ناپذیر تاریخی است که باید به آن با مسئولیت کامل پاسخ مثبت داد.

ادامه سرود صلح در کنگره جوانان دموکرات جهان ...

پیشنهاد پذیرفتن عضویت ۱۰سازمان جوانان جدید در گزارش کنگره ارائه می شود. هیئت های نمایندگی کشور های مختلف به نوبت از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورشان و نیز مبارزات ترقی خواهانه جوانان گزارشی به کنگره ارائه می دهند. نماینده هیئت سازمان جوانان توده ایران نیز در سخنرانی خود گزارشی مفصلی از وضع مبارزات حق طلبانه جوانان و دانشجویان ایران به کنگره می دهد و ضمن توضیح وضعیت سیاسی، درجه تکامل جنبش جوانان و دانشجویان و نیز یورش پلیس ارتجاعی به تجمعات دانشجویی و دستگیری و شکنجه کردن گروه کثیری از رهبران جنبش دانشجویی را به اطلاع جوانان جهان می رساند. کنگره با این مبارزات اعلام همبستگی کرده و خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی و به ویژه دانشجویان زندانی می شود.

در طی ملاقات های دو جانبه ای که هیئت نمایندگی جوانان توده ای با نمایندگان جوانان از کوبا، فلسطین، عراق، ترکیه، بحرین، آمریکا و ونزوئلا دارد، رفقا از روند تحولات در میهن مان و در منطقه و مواضع سازمان جوانان توده ایران و حزب توده ایران آگاه می شوند. این مذاکرات به لحاظ قرار های مشخص در رابطه با گسترش روابط متقابل بسیار سودمند بود و در جریان آن مصاحبه هایی در رابطه با مواضع جوانان فلسطین و ونزوئلا انجام گرفت. برخورد سازمان های جوانان جهان با هیئت سازمان جوانان توده ایران بیان کننده اطلاع و احترام این مبارزان جوان از چهارگوشه جهان از مبارزات رزمندگان توده ای در میهن مان و موفقیت کارزار بین المللی حزب توده ایران و سازمان جوانان توده بود. در روز سوم کنگره پیام همبستگی در حمایت از تظاهرات سراسری دانش آموزان و جوانان آمریکایی بر ضد جنگ اعلام می شود که در مطبوعات آمریکا و کوبا انعکاس وسیعی پیدا می کند.

طی برگزاری کنگره، هر روز گزارش هایی از روند کار کنگره در مطبوعات سراسری کوبا منعکس می شود و مصاحبه های مفصلی با نمایندگان جوانان کشور ها انجام می گیرد. در روز چهارم کلیات قطعنامه ها و از جمله قطعنامه های پیشنهادی کمیسیون های پنج قاره جهان به تصویب می رسد. عنصر کلیدی این قطعنامه ها محکومیت عملکرد امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در سوق دادن جهان به سوی جنگ و اعمال فشار به خلق های عراق، فلسطین، کره دموکراتیک، و افغانستان است. قطعنامه اصلی کنگره شانزدهم فدراسیون جهانی جوانان دموکرات مواضعی قاطع برضد «جهانی شدن» سرمایه داری و برنامه های مخرب بانک جهانی، پیمان نفتا و موافقتنامه تجارت آزاد در قاره آمریکا اتخاذ می کند. در ادامه جلسات کلیه قطعنامه ها در حمایت از مبارزات جوانان ترقی خواه در سراسر جهان (از جمله قطعنامه در همبستگی با جوانان و دانشجویان ایران) مورد بحث قرار گرفته و به تصویب می رسد.

در آخرین روز کنگره انتخابات دوره ۱۶ فدراسیون برای تعیین عالی ترین مراجع اجرائی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات با شرکت فعال همه هیئت های نمایندگی برگزار می شود. سازمان جوانان نپال با حمایت کمیسیون آسیا و سازمان جوانان پرتغال با حمایت کمیسیون اروپا کاندیدای مقام ریاست فدراسیون هستند. جلسات مشورت متعدد منطقه ای و بین قاره ای برگزار می شود و در نهایت سازمان جوانان کمونیست پرتغال با کسب ۶۰ درصد آرا به سمت ریاست فدراسیون و سازمان جوانان کوبا با اکثریت آرا به سمت دبیرکلی فدراسیون انتخاب می شوند.

هفت روز کار سخت تمام شده و رفقا پس از اتمام کارهای کنگره و قرار مدار دیدارها و ارتباط ها و کارزار های مشترک به گرمی از همدیگر خداحافظی می کنند تا دیداری دیگر در گردهمایی بعدی.

ادامه شبح مکارتیسم در آمریکا

انداختن خانم مسنی، که با لباس سیاه پلاکاردی با مضمون مخالفت با جنگ برای نفت حمل می کرد، از راهپیمایی «روز پاتریک مقدس»، در شهر کوچک پوکونانوس، در ایالات پنسلیوانیا، و بازداشت آقای استیون داونز که یک پیراهن با شعار «به صلح شانس دهید» به تن داشت، در یک پاساژ در البنی توسط پلیس به دلیل مخالفت صاحب پاساژ با مضمون ضد جنگ این شعار ، به رشد این نوع گرایشات در ایالات متحده می پردازد. او می گوید که «بدرفتاری، دستگیری، بازداشت و سعی در نقش بر آب کردن فعالیت آنهایی که مخالف جنگ هستند، به یک جریان عادی بدل می گردد.» مقاله فاش می کند که «از سخنرانی آن دسته از بستگان کشته شدگان حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، که با جنگ برضد عراق مخالف هستند، در مدارس جلوگیری می شود. » وی در ادامه می نویسد: « همزمان با کشته شدن غیرنظامیان عراقی و سربازان آمریکایی، انگلیسی و عراقی در خلیج (فارس)، این جنگ به سرعت قربانی دیگری می گیرد: دموکراسی در ایالات متحده.» جورج یانگ متذکر می شود که «این روند منحصر به آمریکا نیست. آزادی های مدنی در انگلستان نیز به خاطر جنگ در ایرلند شمالی صدمه دیدند و اکنون هم به دلیل این درگیری بیش از پیش در معرض ازبین رفتن هستند. » ولی او اضافه می کند که « این امر در ایالات متحده به خاطر دوره مک کارتیسم در دهه ۱۹۵۰ هنگامی که آن هایی که مظنون به حمایت از کمونیسم بودند، مجبور می شدند که در کمیته ویژه مجلس سنا نظرات خود را پس بگیرند و نام ترقی خواهان را فاش کنند طنین دیگری دارد.» مقاله در ادامه اشاره می کند در حالیکه « مقایسه با مک کارتیسم صحیح است» و این نمایش های عدم تحمل مخالفت با جنگ علنی، پراکنده و در حال شتاب گرفتن هستند، ولیکن تفاوت با دهه ۱۹۵۰ این است که هنوز هیچ حکم فدرالی برای حمایت از آنان صادر نشده است و بسیاری از کسانی که از جنگ طرفداری می کنند، مخالف آن هستند.» جورج یانگ ضمن اشاره به اینکه « بوش کارزاری برای از میدان بیرون راندن دیکسی چیکز، گروه موسیقی زنان آمریکایی که یکی از اعضای آن در لندن برضد جنگ سخن گفته بود، سازمان نداد ولی سی دی های آنان توسط یک گروه خشمگین زیر پا خرد و خاکشیر شد و آخرین ترانه آنان از صدر لیست پرفروش ترین ها سقوط کرد.» همچنین اذعان دارد که «این تظاهرات عدم تحمل گرچه پراکنده به نظر می رسند، ولی همگی خود به خودی نیستند. گردهمایی که در جریان آن سی دی های دیکسی چیکز خرد شد، با هدف دفاع از قطع پخش ترانه های آنان از ایستگاه های رادیویی متعلق به کمپانی « کلیر کانال کامونیکاسیون تکزاس» که ارتباط نزدیکی با جورج بوش دارد، سازماندهی شد.» ایستگاه های رادیویی این کمپانی همچنین شنوندگان را برای سازماندهی و شرکت در گردهمایی های طرفداری از جنگ که در هفته های گذشته در نقاط مختلف برگزار شدند، تشویق کرده اند. » مقاله بطور مشخصی به سهم ویژه دولت بوش در ایجاد جوی که چنین عملکردهایی در آن رونق می یابند، اشاره می کند.

جورج یانگ می نویسد که در تحت شرایطی که نقش ارگان های کنترل و تفتیش عقاید به دلیل تصویب لوایحی نظیر لایحه میهن پرستی و عملیات سپر آزادی فزونی یافته ، دولت دامنه تعقیب و استراق سمع شهروندان آمریکایی را افزایش داده و بازداشت نامحدود همه پناهجویان از کشور های مشخصی را مجاز کرده است. سال گذشته تعداد موارد تقاضای دولت فدرال برای تعقیب و مراقبت شهروندان بر اساس قانون تعقیب و مراقبت امنیتی خارجی، که هدف آن اصولاً شکار جاسوسان خارجی است، برای اولین بار در تاریخ آمریکا از همه مواردی که در تحت قوانین داخلی صورت گرفته بود، فزونی یافت.

بر طبق گزارش مرکز حمایت از حقوق شهروندان، که مرکز آن در واشنگتن است، دولت می تواند با استفاده از لایحه جدید تحت نام قانون تقویت امنیت داخلی، «از فاش شدن مشخصات و هویت همه کسانی که در رابطه با تحقیقات در مورد ترور بازداشت شده اند خودداری کند و نام آن ها را از شمول قانون آزادی اطلاعات مستثنی نماید.»

«باری اشتاین هارت»، مسئول برنامه تکنولوژی و آزادی «اتحادیه آزادی های مدنی آمریکایی»، به نیویورک تایمز گفت که مقامات دولتی از شرکت های اینترنت و کتابخانه ها خواستار مدارکی در رابطه با نوع کتاب هایی که مردم به امانت می گیرند و یا وب سایت هایی که در اینترنت بازدید می کنند، می شوند. محصول چنین سیستمی به وجود آمدن همزیستی ترسناکی بین گروه های فشار و قوه مقننه است که در نتیجه آن سرکوب رسمی چارچوب عمل برای فشار از طریق مردم عادی را فراهم کرده و هرکدام این دو از دیگری نیرو می گیرند.

در چنین وضعیتی آسیب پذیر ترین آن هایی هستند که معمولاً آسیب پذیر ترین هستند، یعنی مهاجران عرب و آمریکایی های تیره پوست. مردها از کشور هایی که به عنوان منابع بالقوه تروریسم محسوب می شوند و کارت سبز ندارند، اکنون اجباراً توسط اداره مهاجرت ثبت نام، انگشت نگاری شده و عکس آن ها گرفته می شود. بسیاری از آنان بدون اینکه جرمی مرتکب شوند فقط به دلیل اینکه تقاضای آنها برای صدور اجازه کار هنوز مورد بررسی قرار نگرفته، به صورت برنامه ریزی شده بازداشت می شوند. ژولیت کیام، یک متخصص تروریسم در دانشگاه هاروارد گفت: « در اساس این مساله به یک کنترل همه جانبه مهاجران تبدیل شده است.» او به واشنگتن پست گفت: «این ایده که چنین عملکردی ربطی به امنیت دارد و یا اینکه دولت بتواند توسط آن تروریسم را متوقف کند، مضحک است.»

این جو مراقبت و نظارت دایمی رشد یابنده که با تبعیض نژادی نیز آمیخته است آمریکایی های رنگین پوست را به صورت منفی تحت تَاثیر قرار می دهد. جین باند از مسئولان کنگره رنگین پوستان رادیکال متذکر می شود: « این امر رنگین پوست ها را زیر ذره بین بزرگتری قرار می دهد و ما را در تور دسته بندی نژادی گرفتار می کند.»

این حقیقت که تمامی نمونه های مورد اشاره در مقاله در رابطه با سفید پوستان و بومیان متولد آمریکا رخ داده است، خود نشانگر این حقیقت است که وضعیت تا چه حد حاد است. استیون داونز که بدلیل پوشیدن پیراهن با شعار طرفداری از صلح بازداشت شد، یک حقوقدان برجسته در کمیسیون عملکرد قضایی است. « چنین است اهداف جنگ برضد ترور.»

پرزیدنت بوش از همان فردای ۱۱ سپتامبر اصرار ورزیده بود که « آنهایی که با ما نیستند، برضد ما می باشند.» و لذا این نتیجهء منطقی چنین موضعی می باشد که هر کسی که مخالف شیوه برخورد با خطر تروریستی است به دشمن بدل می شود، هم در داخل و هم در خارج. تروریسم از دید دولت ایالات متحده آمریکا جایگزین کمونیسم شده است. این حقیقتی است که حتی قبل از اینکه اولین تابوت سربازان آمریکایی به کشور برسد، جنگ به جبهه خودی (آمریکا) رسیده است.

ادامه تهاجم نظامی خطرناک و خونین امپریالیسم...

جسارت اعلام کرد که ورود ارتش ایران به خاک عراق، ماهیت جنگ را از یک جنگ تدافعی و میهنی در مقابل تجاوز خارجی تغییر می دهد و آن را به یک عمل ماجراجویانه نظامی با اثرات بسیار مخرب برای میهن ما و منطقه تبدیل خواهد کرد. تجربه صحت این برداشت حزب ما را نشان داد با ورود ارتش ایران به خاک عراق ماهیت جنگ تغییر کرد، رژیم صدام حسین که در آستانه سقوط قرار گرفته بود توانست با استفاده از احساسات ملی موقعیت خود را تقویت کند و بدین ترتیب جنگی فرسایشی و فاجعه بار به قیمت خون صدها هزار جوان ایرانی و عراقی به دو کشور تحمیل شد که تنها سود برندگان آن انحصارهای اسلحه سازی امپریالیستی بودند.

تجربه ماجراجویی اخیر نیز با تجربیات ماجراجویی های نظامی گذشته در منطقه همخوانی دارد. در ارزیابی تهاجم آمریکا و انگلیس به خاک عراق چندین مسأله کلیدی قابل ارزیابی است. نخست دلایل اصلی این حمله. دوم وضعیت عراق پس از پایان جنگ و سوم اثرات این تهاجم نظامی در منطقه.

در مورد اول باید گفت که اینک برای همه مردم دنیا و خلق های منطقه روشن است که هدف اصلی تهاجم آمریکا و انگلیس به خاک عراق نه مبارزه بر ضد تروریسم و نه از بین بردن سلاح های امحای جمعی عراق است. هدف ار این تهاجم نظامی همان طور که مشاوران دولت بوش، یعنی کسانی مثل ریچارد پرل، اعلام کرده اند، تغییر اساسی جغرافیای سیاسی منطقه و تثبیت منافع دراز مدت امپریالیسم در خلیج فارس است.

در مورد دوم، یعنی سرنوشت مردم عراق پس از پایان جنگ و سقوط احتمالی دولت صدام، نیز واقعیات با مدعیات اشغالگران تفاوت های اساسی دارد. برخلاف این ادعا که آمریکا و انگلیس خواهان استقرار دموکراسی در عراق هستند، برخوردهای آمریکا در سازمان ملل و شورای امنیت به روشنی نشان داده است که دولت بوش حتی حاضر به تن دادن به نقش سازمان ملل متحد در زمینه بازسازی آینده عراق نیست، بلکه عراق به عنوان غنیمت جنگی بین انحصارهای آمریکایی تقسیم شده است و کارگزاران نظامی آمریکا در عراق مطمئن خواهند شد که حکومت های آینده این کشور در راستای منافع استراتژیک این کشور حرکت کند. یعنی حاکم کردن دولت دست نشانده یی مثل حکومت کرزای در افغانستان. و اما در مورد مسأله سوم، یعنی تأثیر جنگ در خاورمیانه، طیف وسیعی از نیروهای سیاسی، از حاکمان وابسته و نیمه وابسته، همچون حسنی مبارک، تا نیروهای صلح طلب و آزادی خواه متفق القولند که اثرات سیاسی این ماجراجویی خطرناک، منطقه خلیج فارس و خاورمیانه را به بشکه باروتی آماده انفجار و گسترده تر کردن درگیری های نظامی به کل منطقه تبدیل کرده است. این نظریه حسنی مبارک که حمله نظامی آمریکا صدها بن لادن در منطقه پدید خواهد آورد زنگ هشداری است که سیاست های تجاوزکارانه آمریکا تنها به تقویت نیروهای بنیاد گرا منجر خواهد شد. در کنار این پدیده واقعیت دیگر این است که این سیاست همچنین موقعیت رژیم هایی همچون حکومت وابسته مصر، عربستان سعودی، اردن و کشورهای عربی خلیج فارس را به شدت تضعیف و متزلزل می کند. تظاهرات گسترده ضد جنگ در مصر، اردن، لبنان و فلسطین، در روزهای اخیر نشانه های قوی در این زمینه است.

با توجه به مسایل ذکر شده در بالا سئوال اساسی این است که وظیفه نیروهای صلح دوست، مردمی و آزادی خواه در شرایط کنونی چیست و چگونه باید با خطر بالا گرفتن درگیری های نظامی و درگیر شدن کشورهای دیگر از جمله ایران مقابله کرد ؟

نیروهای مردمی و آزادی خواه کشور، همچون نیروهای آزادی خواه و مترقی عراقی و دیگر کشورهای منطقه به شدت با تهاجم نظامی به خاک عراق مخالفند و معتقدند که این تنها مردم عراق هستند که باید سرنوشت خویش را آن گونه که خود صلاح می دانند تعیین کنند. هیچ نیروی ترقی خواهی نمی تواند مدافع از بین رفتن هزاران انسان بی گناه و اشغال نظامی کشورش توسط نیروهای بیگانه باشد. در منطقه تنها نیروهایی مدافع جنگ اند که سرسپردگی و ضد ملی بودن آنها در بوته آزمایش بارها به اثبات رسیده اند. این نیروها که هیچ گونه پشتوانه معنوی و مردمی ندارند امیدوارند که سوار بر تانک های آمریکایی و انگلیسی به حکومت برسند و دوران دیکتاتوری های وابسته به امپریالیسم و «جزیره های ثبات» در منطقه را دوباره احیا کنند. مقابله با این توطئه ها و مبارزه بر ضد جنگ بخش جدایی ناپذیر از مبارزه نیروهای مردمی در راه آزادی است.

در کنار این نیروها، مرتجعان حاکم در میهن ما، بررغم نگرانی های معین از وضعیت منطقه و خطراتی که می تواند آنها را تهدید بکند، جنگ را به عنوان ابزاری برای تشدید یورش به دگراندیشان و سرکوب کامل جنبش مردمی و آزادی خواهانه میهن ما می بینند. نگاهی گذرا به سخنرانی ها، اعلام موضع ها و بیاینه های صادر شده از سوی مذتجعان حاکم و وابسته دانستن جنبش اصلاح طلبی به «استکبار جهانی» بخشی از همین سیاست است که می خواهد از نمد جنگ کلاهی برای خود دست و پا کند و با اتخاذ سیاست ها و شعار های «ضد امپریالیستی» و با تکیه بر احساسات صلح دوستانه مردم ما وضعیت خود را تثبیت کند. این سیاستی است ماجراجویانه که می تواند عواقب خطرناکی برای میهن ما به همراه داشته باشد. اتخاذ یک سیاست محکم و قاطع ملی، در کنار پرهیز از تشنج جویی ضرورتی است که باید به آن توجه جدی داشت. وضعیت فوق العاده بحرانی و حساس منطقه طلب می کند که نیروهای مترقی و آزادی خواه با اتحاد عمل و هماهنگی سیاست واحدی را در مقابله با جنگ و جنگ طلبی به پیش ببرند و با بسیج گسترده تر افکار عمومی جهان و منطقه حیطه مانور نیروهای جنگ طلب و ارتجاعی را محدود نمایند.

میهن ما تجربه دردناک هشت سال جنگ خانمان سوز و مخرب و موشک باران های مدام بر شهرهای کشور را هنوز از یاد نبرده است و هیچ نیروی انسان دوست، ملی و مردمی نمی تواند خواهان تکرار این تجربیات تلخ و دردناک باشد. تلاش گسترده در راه صلح و دور کردن منطقه از تشنج و درگیری های نظامی، از مهمترین وظایفی است که امروز پیش روی همه نیروهای مترقی منطقه و جهان قرار دارد. جنبش جهانی نیرومندی برای صلح در کشورهای مختلف جهان شکل گرفته است که تأثیر قطعی در شکل گیری افکار عمومی مردم جهان ایفا خواهد کرد. این جنبش در صورت اتحاد عمل و هماهنگی می تواند اجازه ندهد که تجربه فاجعه بار تهاجم نظامی به عراق، بار دیگر در گوشه دیگری از جهان تکرار شود.

بهره جویی اسرائیل از جنگ عراق

با شروع جنگ عراق، و تمرکز بیشتراخبار و نظرها بر رویداد های این جنگ ، دولت اسرائیل بر فشارخود برضد مردم فلسطین افزوده است.

پس از آغاز جنگ در عراق ، نیروهای اسرائیلی به طولانی کردن دیوار بین اسرائیل و فلسطین در کرانه غربی ، امری که سبب خواهد شد تا هزاران فلسطینی از محل سکونت خود آواره شوند، دست زده اند . در صورت تکمیل این دیوار ، بیش از ۳ هزار فلسطینی کاملا از سایر فلسطینی ها در طرف دیگر دیوار جدا خواهند شد وارتباط آنها با سایر مناطق قطع می گردد.

«صائب اریقات» از وزرای دولت فلسطین ، روز یکشنبه ۲۳ مارس ، در مصاحبه ای با رسانه های خبری ، اسرائیل را متهم به خرابکاری در امر صلح کرد و طولانی شدن دیوار در کرانه غربی به طول ۲۰ کیلو متر را ، بخشی از این خرابکاری خواند.او همچنین شارون را متهم کرد در تلاش است تا در زمانی که افکار عمومی جهانیان بر روی مساله عراق متمرکز است ، از شرایط استفاده کند و مفاد طرح جدیدی را به فلسطین تحمیل کند . او گفت «اسرائیلی ها می خواهند طرح تشکیل یک کشور فلسطینی را از بین ببرند و آن را با طرحی جدید ، مبنی بر ادامه اشغال مناطق فلسطینی و اسکان تعداد بیشتری از اسرائیلی ها، عوض کنند . » و ایجاد دیوار در کرانه غربی را زیر پا گذاشتن تعهدات سیاسی بین المللی ، از جمله طرح صلح خاور میانه ، مصوبات سازمان ملل و توافق های اتحادیه اروپا در مورد فلسطین، خواند .

هفته گذشته نیز جورج بوش در حرکتی تاکتیکی به منظور جلب حمایت افکار عمومی کشور های خاورمیانه برای جنگ برضد عراق، قول داد که در صورت انتخاب یک نخست وزیر «قدرتمند» ، طرح جدید صلح در خاور میانه را به اجرا در خواهد آورد. صرفنظر از قصد بوش از مطرح کردن ای‌ن طرح در شرای‌ط کنونی، این در واقع فشاری است که شرایط جدید تری را بر خلاف خواست های مردم فلسطین به وجود می آورد. انتخاب یک نخست وزیر با قدرت ، که از سوی آمریکا و اسراِئیل مطرح شده است ، برای به حاشیه‌ راندن یاسر عرفات و دادن نقشی مجازی و تشریفاتی به او می باشد که طی سالیان طولانی مبارزه خود ، مورد تائید اکثریت گروه های سیاسی فلسطینی بوده است و تحت رهبری او هم آهنگی نسبی در میان این گروه ها و سازمان ها وجود دارد . با خارج شدن عرفات از صحنه سیاسی فلسطین ، امری که سال های متمادی آمریکا و اسرائیل در تلاش برای تحقق آن بوده اند ،از سویی ایجاد تغییری در رهبری فلسطی‌ن که بتواند منافع آمریکا در منطقه را تامین کند و از سوی دیگر، در صورت برکناری یاسر عرفات و یا تضعیف او، می تواند سبب چند دستگی و عدم همکاری بین سازمان های سیاسی جنبش فلسطین شود. «اریقات» در مورد نقشه اسرائیل گفت که دولت شارون با اقدام های خود به جهانیان اعلام کرده است که طرح های صلحی راکه تا کنون معرفی شده ، به فراموشی بسپارند و طرح جدیدی را بپذیرند که بر اساس زور، دیکته کردن و بدون مذاکره تهیه شده است . بر پای‌ه طرح شارون ۴۰ درصد از خاک کرانه غربی به اسرائیل تعلق می گیرد .

اقدامات اسرائیل علیه فلسطین در شرایطی صورت می گیرد ،که علاوه بر جنگ عراق که شرایط مناسب تری را برای اسرائیل تحت نام «مبارزه با تروریسم» به وجود آورده است ، بحران های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در اسرائیل رو به افزایش گذاشته است . در نیم قرن اخی‌ر، هیچگاه چنین بحرانی گریبان گیر اسرائیل نشده بود . بعد از دومین انتفاضه در سپتامبر سال ۲۰۰۰ ،اسرائیل وارد دوران رکود اقتصادی شده است و به خاطر کاهش سرمایه گذاری های خارجی، از دست دادن بازار اعراب، نابودی صنعت توریسم، کسری بودجه به علت افزایش نجومی مخارج نظامی و سیاست گسترش اراضی، ضربه های شدیدی به آن وارد آمده است .تعداد بیکاران رو به افزایش است و این درحالی است که دولت اخراج دهها هزار نفر کارمندان دولتی و کاهش ۸ درصدی کارمندان سایر بخش ها را در برنا مه خود دارد . حداقل یک میلیون و نیم از جمعیت اسرائیل، که بیش از ۵۰۰ هزار نفر آنها کودک هستند ، در زیر خط فقر زندگی می کنند و تضادهای جامعه نیز رو به افزایش است و از نظر سیاسی نیز دولت اسرائیل دچار بی ثباتی شده است و در چند سال اخیر کابینه های تشکیل شده از اتحاد شکننده بین احزاب مختلف سیاسی در اسرائیل صورت گرفته است که به دلیل عدم وجود دولتی قدرت مند ، بحران های بیشتری را باعث شده اند . آنچه که به بی اعتمادی مردم اسرائیل به دولت های کنونی انجامیده است. درچنین شرایطی است که دولت شارون، با پشتیبانی کامل از سوی آمریکا و در مخالفت با افکار عمومی جهان، در تلاش است تا سیاست های مخرب خود را برای از بین بردن جنبش خلق فلسطین به کار بگیرد ، به ویژه در شرایطی که جهانیان متوجه وقایع عراق هستند.

افزایش ۳۰ درصدی بهای بنزین

بر اساس گزارش روزنامه های مجاز با آغاز سال نو بهای بنزین در کشور به لیتری ۶۵ تومان افزایش یافت که این میزان از افزایشی ۳۰ درصدی حکایت می کند. افزایش شدید قیمت بنزین نه تنها پی آمد های تورمی جدی بر اقتصاد کشور را به همراه خواهد داشت بلکه تشدید فشار جدی است بر بخش های وسیعی از مردم میهن ما. نکته مهم دیگر اینکه تشدید بهای بنزین در شرایطی انجام می گیرد که رژیم جمهوری اسلامی در سال گذشته به دلیل افزایش قیمت نفت در بازار جهانی افزایش جدی یی درآمد ارزی خود داشت.

اعلام خبر افزایش قیمت بنزین در وسط تعطیلات نوروزی، آن هم از طریق دولت بلکه به شکل خبر کوچکی در لابلای خبرهای اقتصادی دیگر روزنامه ها حاکی از نگرانی سران رژِیم از عکس العمل شدید مردم نسبت به این افزایش چشم گیر است.

سرود صلح در کنگره جوانان دموکرات جهان

*** جوانان ۵۱ کشور جهان در شانزدهمین کنگره خود در هاوانا عزم خود به مبارزه در راه دفاع از صلح و دموکراسی در جهان را اعلام کردند.**

*** جوانان ترقی خواه فلسطین و ونزوئلا از مبارزه جوانان و دانشجویان ایران حمایت کردند.**

*** جوانان کوبا از کمک های حزب توده ایران به مردم کوبا قدردانی کردند.**

نمایندگان جوانان دموکرات از سراسر جهان با شور و اشتیاق فراوان در هاوانا، پایتخت کوبای انقلابی، دور هم جمع می شوند. دیدار ها و روبوسی های گرم و رفیقانه در همه جای سالن پذیرایی بر قرار بود. هیئت های نمایندگی گروه گروه وارد محوطه می شدند و میزبانان کوبائی با گرمی از آنان استقبال می کردند. سازمان جوانان کمونیست کوبا، بر رغم محدودیت های مالی (به سبب محاصره اقتصادی آمریکا) برنامه های جالب و متنوعی برای شرکت کنندگان در کنگره تدارک دیده بود.

پیام مهمان داران کوبایی و هیئت میزبان از فدراسیون جهانی جوانان دموکرات از همان اولین لحظاتی که در فرودگاه هاوانا پا بر خاک کوبا گذاشتیم مشخص بود: بیائید این کنگره را به نقطه عطفی در مبارزه جوانان جهان در دفاع از صلح و دوستی خلق ها و برضد امپریالیسم و جهانی شدن تبدیل کنیم. مصوبات وتصمیم گیری های کنگره پس از پنج روز کار، بحث و مداقه بی وقفه با شرکت جوانان پنج قاره جهان نشان می دهد که مبارزان جوان در سراسر گیتی از هر نظر آمادگی و شایستگی ایفای نقشی موثر در کارزار های تعیین کننده آتی را دارند.

برنامه کاری کنگره از روز سوم مارس با فشردگی زیاد آغاز شد. سالن زیبا و مجهز کنفرانس (مرکز کنفرانس های بین المللی هاوانا) مملو از جوانان پنج قاره جهان- با تنوع نژاد و زبان می شود. حضور جوانان کثیری با سنین ۲۰ الی ۲۸ سال از کشورهای آمریکای لاتین چشمگیر است. مراسم با سرود جوانان کمونیست کوبا شروع می شود. هیئت رئیسه جلسه در جایگاه خود قرار می گیرد و برنامه کاری کنگره اعلام می گردد. بحث های کنگره در آن واحد به چهار زبان انگلیسی، فرانسه، عربی و اسپانیایی ترجمه می شود. نماینده جوانان کوبا پشت میکروفن قرار می گیرد و ضمن خوش آمدگویی، از شرایط زیستی سخت مردم کوبا می گوید و مصمم بودن مردم در ادامه و استمرار انقلاب خود و دفاع از دستاورد های آن در قبال تجاوزات و تعرضات امپریالیسم آمریکا می گوید و به بند کشیده شدن پنج کوبائی قهرمان در آمریکا را محکوم می کند و خواستار آزادی آن ها می شود.



رئیس فدراسیون از کشور هند مختصری از مبارزات جوانان چپ و مترقی در سراسر جهان برضد امپریالیسم و تلاش برای زندگی بهتر سخن می گوید. اعلام می شود که ۱۵۱ نماینده از ۸۱ سازمان جوانان ترقی خواه از سراسر جهان در کنگره شرکت کرده اند. کنگره وارد دستور کار می شود و بحث بر سر اسناد و گزارش های کارکرد فدراسیون در چهار سال گذشته آغاز می گردد.

در فاصله بین جلسات، هیئت ها با هم وارد مذاکره می شوند، به طور مستقیم از مسائل و مشکلات جوانان و مردم نقاط مختلف جهان آگاه می شوند و گزارشی از مبارزات خود به سایر رفقا می دهند. در روز دوم کنگره میزبانان کوبائی بازدیدی از بیمارستان بین المللی هاوانا که به سراسر مردم آمریکای لاتین خدمات درمانی ارائه می دهد، ترتیب می دهند. طبق آمار وزارت بهداری کوبا حدود ۵۰۰۰ کادر پزشکی و درمانی در نقاط مختلف جهان از آفریقا تا آمریکای لاتین- در نقاط دور افتاده با کمترین امکانات و به طور رایگان به خدمت مشغول هستند. پیشرفت های بهداشتی- درمانی در کوبا در کل آمریکای لاتین و جهان بی نظیر است و آماری که ارائه می گردد، نشانگر موفقیت برنامه های سوسیالیستی است.

در سومین روز کنگره با گزارش دبیرکل یونانی فدراسیون، بحث در مورد ارزیابی عملکرد چهار سال گذشته این نهاد بین المللی که در ساختار سازمان ملل نقش مشاوره دارد، آغاز می گردد. از سازماندهی جوانان دموکرات و چپ در کشور های مختلف در راه پیمایی عظیم صلح در فوریه ۲۰۰۳ و نیز اعزام گروه های کاری و همبستگی به فلسطین و اسرائیل و سایر کشور های عضو و ملاقات با دیگر ساختار های مدافع حقوق جوانان و سایر سازمان های غیر دولتی و مذاکره با آنان جهت ارتقاء فعالیت جوانان در عرصه های داخلی و بین المللی، و نیز

ادامه در صفحه ۴

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. http://www.tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 657
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1 April 2003

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰ – ۴۹ – ۳۰ – ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام	IRAN e.V.
شمارهٔ حساب	790020580
کد بانک	10050000
بانک	Berliner Sparkasse